

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی - کابل

۲۰ اگست ۲۰۲۲

## زمینه سازی ها برای آوردن مجدد طالب! (۳)

جمعه - ۲۸ اسد ۱۴۰۱ - کابل: نهادینه سازی سیاست های اجتماعی طالب:

برای این که بدانیم حاکمیت پوشالی و دست نشاندگانی مانند "کرزی" و "غنی احمدزی" در مناسبات اجتماعی چگونه جهت آمدن مجدد طالب زمینه سازی می نمودند، بهتر است بحث ما را با بخشی از سیاست های اجتماعی طالب ادامه دهیم:

۱- نخستین شاخصه و علامه فارق در سیاست های اجتماعی طالبیسم با سیاست های اجتماعی عصر حاضر، برخورد نسبت به نصف نفوس همان جامعه یعنی زنان می باشد. این را می دانیم که طالب در دوران اول حاکمیت شان، افغانستان را به زندان زنان تبدیل نموده، نه تنها مانع تحصیل و کار آنها می شدند بلکه با برداشت مطلقاً غلط از یکی آیات قرآن که مخاطب آن مستقیماً زنان پیامبر اسلام است و در آن آیت به آنها مشوره داده شده - امر نشده- تا جهت حفظ وقارشان در خانه بمانند، مانع بیرون شدن زنان از خانه شده، با خشونت غیر انسانی متخلفان را مجازات می نمودند و چیزی را به نام تساوی حقوق زن و مرد به رسمت نشناخته، در همه حال مردان را قیم زنان معرفی می نمودند؛

۲ - ایجاد و دامن زدن به تفرقه های قومی، زبانی و مذهبی و نژادی، یکی از نکات دیگری بود که طالب در دوران حاکمیت اولش، تلاش می نمود تا با برچه و تفنگ برتری قومی، زبانی و مذهبی خودش را بر سایر اقوام، زبانها و مذاهب بقبولاند؛

۳- طالب بر مبنای پایه ها و اساسات اعتقادی اش و سجد در آستان تقدس مالکیت خصوصی، جامعه را از لحاظ عمودی به "غنی و فقیر" تقسیم نموده، در پناه آیت "عزت و ذلت از جانب خداست" فقر و گرسنگی را در کشور تعمیم می داد.

هرگاه از سایر خصایص حاکمیت اول طالب بگذریم و فقط در همین نکات یادشده تمرکز نمایم خواهیم دید:

۱- علی رغم این که گذشته رفع موفقانه حجاب به دوران صدارت "سردار محمد داوود" به سال ۱۳۳۸ برابر با ۱۹۵۹ بر می گشت یعنی زمانی که "حامدکرزی" را اشغالگران بر اریکه قدرت نشانند، رفع حجاب با یک وقفه زمان جهادی ها و طالب نه به صورت مطلق، بیش از ۴۰ سال سابقه داشت، "حامدکرزی" و بادرانش از همان نخستین روز اعلام کابینه انتقالی و "سیما سمر" را به حیث وزیر امور زنان اعلام داشتن، در عمل نشان دادند که حاضر نیستند انتخاب

پوشش را از حقوق اولی زنان به شمار آورند، بلکه کلاً خود را تابع قوانین طالب و جهادی ها ساخته، به جای پذیرش اصل حق انتخاب آزاد پوشش، با انداختن چادر و چارچوق شش لایه بر سر و گردن "سیماسمر"، این ننگ زنان آزاده و پیرو راستین "مزاری" جنایتکار، عملاً نشان دادند که رژیم آنها با تمام ادعاها حاضر نیست به زن از منظر دیگری نظر ببیند.

این نکته وقتی بیشتر خود را متباز ساخت که "کرزی" در تمام دوران حاکمیتش، از این که حتا برای یک بار به زنش اجازه و فرصت دهد تا حضور علنی در جامعه داشته باشد، امتناع ورزیده زنش را به تقلید از رسم طالب در خانه محبوس نمود. در حالی که همسرش قبل از ازدواج با "کرزی" و به جای حلقه ازدواج در انگشت، حلقه بردگی مردسالانه را به گردن انداختن، داکتر طب بود و در یکی از بیمارستان های مربوط "راوا" در کویته فعالیت علنی اجتماعی داشت.

این سیاست اتخاذ شده علیه شرکت فعالانه زنان در جامعه و حداقل به رسمیت شناختن حق انتخاب پوشش، به "کرزی" محدود نمانده گذشته از آن که تمام وزراء، رؤسا و مقامات بلند پایه ملکی و نظامی به خصوص جهادی ها در حاکمیت پوشالی، زنان خودشان را "پرده نشین" ساختند و اگر هم کدام زمانی جهت همسوئی با جنبشهای فیمینستی غرب، چند زن افغان را ریکلام نمودند، زنان و دختران مردم بود که با افواهاستفاده های جنسی از آنها، به نفع طالب جامعه را علیه اشتغال زنان در بیرون از خانه تحریک می نمودند؛ وقتی "غنی احمدزی" به قدرت رسید وی نیز هرچند زنش را روی صحنه آورد تا مقداری درآمد دلاری از آن بابت کمائی نماید، مگر با گذاشتن یک چادر بر سرش آنهم بعد از سالها شنا در حوضهای مختلط لبنان و امریکا که زیر و بالایش آشکار بود، عملاً تمکین در مقابل فرهنگ برده ساز طالب علیه زنان را به نمایش گذاشت.

آن نظام به جای آن که تساوی حقوق زن و مرد را به مثابه یک اصل به رسمیت بشناسد و با ایجاد اتحادیه های قوی و منضبط زنان در عمل راه آمدن طالب را دشوار سازد، با ترویج فرهنگ مبتذل غربی، فقط مردم افغان را علیه کلیت جنبش زنان تحریک نموده، فضائی را به وجود آورد که امروز با تأسف حرکت زنان شجاع و رزمنده کشور، حمایت لازم را از جنس مرد دریافت نمی دارد.

۲- یکی از بزرگان خانواده قصه می کرد که در آخرین ماه های عمر جمهوریت "محمد داوود"، داکتر "عبدالقیوم وردک" وزیر معارف کشور بود. نا مبرده که گویا در کم سواد و عدم دقت ننگ خانواده به خصوص همسر شجاع و مدبرش خانم "معصومه عصمتی" به شمار می رفت، در زیر درخواست یک کارمند نوشته بود، "که وردک دی مقرر شی".

این که آن قصه تا چه حد حقیقت دارد و تا کجا در آن مبالغه صورت گرفته است، باشد سرچایش، مگر آنچه مسلم است مرض و ویروس قوم گرایی، زبان پرستی و مذهب ستیزی که در زمان حاکمیت مزدوران روس بذر گسترده داشت، در دوران حاکمیت جهادی ها و طالب در دوران اول به مدارج بالاتری ارتقاء یافت.

همه شاهدیم که این خصوصیت یعنی فضای جامعه را برای تبارگرایی قومی، برتری زبانی و تکفیر مذهبی زمان طالب در دهه ۹۰ قرن گذشته که تازه شروع به نمو نموده بود، در دوران حاکمیت پوشالی "کرزی" و "غنی احمدزی" به خصوص "غنی احمدزی" کار را به جائی رسانید که تعدادی از کسانی که پدران خودشان معلوم نیست از کجا آمده و بر این وطن سایه انداخته اند، حکم به اخراج باشندگان اصیل این کشور یعنی آنهایی را که گذشته اقامت شان به هزاران سال قبل از امروز می رسد و داروندار فرهنگی این کشور محصول عرق جبین خلقهای آن اقوام بوده، صادر نمودند.

زیر عنوان سهمیه بندی درب تحصیلات عالی را بر روی فرزندان اقوام خاصی مسدود نمودند، به بهانه چند زبانه بودن مأموران و مستخدمان، فارسی زبانان را از اشتغال به امور دولتی در ادارات ملکی و نظامی مانع شدند و در پوشش دفاع از فقه حنفی تا توانستند کین و نفرت متقابل را بین مذاهب مختلف در افغانستان کاشته و دامن زدند. تمام این اعمال همان چیزی بود که طالب آغاز نموده بود و حاکمیت پوشالی آن را در مدارج بالاتری و در پناه به اصطلاح قوانین ظاهراً عام قبول، بعد از ۲۰ سال دوباره به آنها برگرداند.

۳- و اما در قسمت تشدید اختلافات طبقاتی.

شاید بیجا نباشد بنویسیم بر رویت اسناد، در تمام دوران حاکمیت خاندان طلالی و بعد از آن این که جامعه در کل فقیر بود بدان معنا نبود که فاصله بین فقیر و غنی چنان عمیق باشد که عده ای قند تفاله نمایند و بقیه مردم از مواد ریخته شده در زباله ها زندگی نمایند. همین عدم موجودیت اختلاف عمیق طبقاتی باعث شده بود که ضرب المثل "قبر گرسنه را کسی ندیده" بخشی از فرهنگ جامعه بگردد. این وضعیت که در زمان حاکمیت مزدوران روس تقریباً بر همان روال ادامه یافت و حین حاکمیت جهادی ها و طالب، با عرض اندام نمودن قشر جنگ سالار و مافیای مواد مخدر، دستخوش تغییر گردیده بود، با روی کار آمدن حاکمیت پوشالی، در طی بیست سال کارش به جایی رسید که اکنون ۹۰ درصد مجموع ملت در زیر خط فقر مطلق قرار دارند و عکس آن تعداد مولتی میلیونر های افغان در منطقه برای خود جایگاهی ساخته اند.

با در نظر داشت این که طالب به مثابه مدافع مالکیت خصوصی و معتقد "به عزت و ذلت از جانب خدا"، در کل با فرهنگ تساوی حقوق و امتیازات اجتماعی به خصوص در زمینه اقتصادی مخالفت و دشمنی دارد، تشدید تفاوت های طبقاتی، در عمل تولید یک قشر مدافع طالب و نظام طالبی می باشد و این همان کاریست که حاکمیت پوشالی در طی ۲۰ سال بدان اشتغال داشته و امروز همه شاهدیم که چگونه یک قشر مفتخور و کلاش در دفاع از طالب و طالبیسم گلو پاره می نمایند.

ادامه دارد

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**